



رویای ایجادپلی میان حماس «اسلامگرا» و «فتح» سکولار

نوژن اقتصادالسلطنه

ایجاد وحدت میان مسلمین و فلسطینیان یاد شده است.

از سوی دیگر پیش از فروپاشی شوروی و افول ناسیونالیسم و سوسیالیسم عربی، «جبهه مردمی برای آزادی فلسطین» و «جبههٔ دموکراتیک برای آزادی فلسطین» دو سازمان مارکسیست فلسطینی بودند که در سال ۱۹۶۹ اعلام کرده بودند خواهان فلسطینی «سکولار و دموکراتیک» هستند نیز با رشد جنبش اسلامگرایی فلسطینی محبوبیت پیشین خود را از دست دادند. در افقی متفاوت، جنبش «حماس» جریان اصلی اسلامگرای فلسطین، در اساسنامه خود اظهار کرده که «فلسطین بخشی از سرزمین‌های وقفی مسلمانان است و تا روز قیامت برای مسلمانان باقی خواهد ماند و هیچ فردی اجازه ندارد تا بخشی از فلسطین را ببخشد.» تفاوت در دیدگاه‌های مذکور خود نشان‌دهنده وجود اختلافات اساسی بر سر اهداف سیاسی در میان سازمان‌های فلسطینی است. از سویی تشکیلات خودگردان بارها اعلام کرده است که موجودیت دولت اسرائیل را به‌رسمیت می‌شناسد.

تشکیلات خودگردان همچنین اعلام کرده که هدفش متارکه جنگ، تشکیل دولت فلسطینی براساس مرزهای سال ۱۹۴۷ به پایتختی بیت‌المقدس و حل مساله آوارگان فلسطینی از طریق قطعنامه ۱۹۴ سازمان‌ملل بوده است. این در حالی است که حماس و سایر جنبش‌های اسلامگرا در غزه موجودیت اسرائیل به‌عنوان یک دولت را کاملاً نفی کرده و خواهان نابودی آن هستند. تفاوت آشکار در مواضع دو طرف در قبال اسرائیل آنجا مشخص می‌شود که فتح در کنگره ششم خود در سال ۲۰۰۹میلادی طی بیانیه‌ای اعلام کرد که «مصمم است تا حماس را در مسیر اعتدال قرار دهد و با اسرائیل در شرایطی مسالمت‌آمیز برای رسیدن به صلح کار کند.»

اختلافات موجود میان این دو جریان سیاسی اصلی فلسطینی پس از به‌قدرت‌رسیدن حماس در سال ۲۰۰۶میلادی به اوج خود رسید. در ماه ژوئن سال ۲۰۰۷، محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان در انتقاد از حماس اظهار کرد آنان در پی ایجاد «امارت اسلامی» در نوار غزه هستند و مدعی شد که مبارزه‌ای میان «پروژه ملی» فلسطینیان و «پروژه شبه‌نظامیان» (حماس) در جریان است.

حماس «ملی‌گراییی عربی» مدنظر تشکیلات خودگردان و جنبش فتح را ایده‌ای «پوچ» می‌داند چنانچه «محمود الزهار»، از مقامات ارشد

۲۰۰۶میلادی

ژانویه: حماس «محمود عباس»، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین را شکست داد و به حاکمیت یکجانبه حزب فتح بر امور سیاسی فلسطین در انتخابات پارلمانی پایان داد.

مارس: دولت حماس به رهبری «اسماعیل هنیه» به قدرت رسید. فتح پیشنهاد شرکت در دولت را نپذیرفت. پشتیبانان غربی فتح از جمله آمریکا و اتحادیه اروپا حماس را سازمانی «تروریستی» خوانده و از به‌رسمیت‌شناختن پیروزی در انتخابات سرباز زدند. سپتامبر: عباس و هنیه اعلام کردند بر سر تشکیل دولت ائتلافی به توافق رسیده‌اند با این حال، دوطرف بر سر چگونگی موضع‌گیری در مقابل رژیم اسرائیل با یکدیگر اختلاف‌نظر پیدا کرده‌اند. عباس خواستار تشکیل دولت فلسطینی در کنار اسرائیل و هنیه خواستار به‌رسمیت‌شناختن موجودیت اسرائیل بود. اختلاف نظر در نهایت به بروز خشونت‌های خیابانی در غزه انجامید.

اکتبر: کنفرانس‌هایی برای آشتی دادن طرفین فلسطینی با میانجیگری قطر و مصر برگزار شد.

نوامبر: پس از مذاکرات دوطرفه فتح و حماس بر سر تشکیل دولت آشتی ملی به توافق رسیدند. دسامبر: عباس خواستار برگزاری انتخاباتی تازه برای برون‌رفت از بن‌بست سیاسی شد.

۲۰۰۷میلادی

فوریه: نزاع میان حماس و فتح در غزه شدت گرفت. دوطرف بر سر موضوع توافق در مکه با یکدیگر به توافق رسیدند با این امید که قدرت‌های غربی تحریم‌های وضع‌شده علیه دولت تحت رهبری حماس را لغو کنند. کابینه هنیه منحل شد اما بار دیگر توسط عباس منصوب شد و مسوولیت تشکیل دولت آشتی ملی را برعهده گرفت. مارس: دولت آشتی ملی دفتر



حماس در این‌باره گفته است: «ملی‌گرایی عربی مدرن حاصل تلاش عده‌ای از تحصیلکرده‌های فلسطینی در غرب بوده است که اکثرا نیز مسیحی بودند، آنان در پی تبدیلی برای اسلام بودند. آنان می‌خواستند افکار خود را به مرحله عمل درآورند اما هیچ برنامه اجتماعی‌ای جز مارکسیسم را پیش روی خود نداشتند. پس از تجربه ناموفق مارکسیسم در شوروی نیز ملی‌گرایی عربی را مطرح کردند.»

از سوی دیگر در سطح اجتماعی، جوامع کرانه‌باختری و نوار غزه تفاوت‌های فرهنگی زیادی با یکدیگر دارند و شاید بتوان ریشه اختلافات میان فتح و حماس را از همین جا دریافت. جامعه کرانه‌باختری سکولارتر و جامعه نوار غزه مذهبی‌تر و محافظه‌کارتر است، همچنین جمعیت مسیحی نسبتاً قابل توجهی در شهرهای «رام‌الله» و «بیت‌لحم» ساکن هستند که تاثیر زیادی بر روحیات و آداب مردم آن منطقه گذاشته‌اند.

پس از پایان جنگ داخلی آغاز شده میان فتح و حماس از دهه ۸۰میلادی، سازمان حماس اعلام کرد که «سکولاریسم و عقاید فاسد در نوار غزه پایان می‌یابد.» اختلافات عقیدتی در میان مردم غزه و کرانه‌باختری پس از به‌قدرت‌رسیدن حماس در نوار غزه در ماه ژوئن سال۲۰۰۷ افزایش یافت. جنبش حماس از زمان در دست‌گرفتن قدرت در غزه قوانین متعددی را به اجرا درآورده است. از جمله این قوانین می‌توان به وضع قانون جدیدی برای نوع پوشش شهروندان ساکن غزه در خیابان‌ها، مدارس و دادگا، ممنوعیت استعمال قلیان و موتورسواری توسط زنان، وضع قوانین تفکیک جنسیتی در سواحل دریای غزه، جداسازی جنسیتی دانش‌آموزان و معلمان در مدارس، ممنوعیت فعالیت ایستگاه‌های تلویزیونی وابسته به تشکیلات خودگردان در غزه، اخراج معلمان وابسته به جریان فتح و جایگزینی آنها با معلمان جوان تعلیم دیده در مدارس و دانشگاه‌های مذهبی در رشته الهیات اشاره کرد.

در سالیان اخیر دو جریان فلسطینی پیش از آنکه بر سر چگونگی مقابله با دشمن مشترک (اسرائیل) با یکدیگر اتفاق نظر داشته باشند بر روی اختلاف نظرهای تأکید کرده‌اند. اعضای یکدیگر را بازداشت، فعالیت‌های هواداران‌شان را در مناطق تحت کنترل خود محدود و اتهاماتی علیه یکدیگر وارد کرده‌اند. همین جنگ بر سر کسب قدرت سبب شده تا تشکیل دولت «آشتی‌ملی» فلسطینیان رویایی تعبیرناشدنی باقی بماند.

پیشینه تاریخی تلاش ناکام «فتح» و «حماس» برای تشکیل دولت آشتی ملی

و فلسطینی آغاز شد. این مذاکرات یک‌ماه پس از آغاز به دلیل خودداری اسرائیل از توقف روند گسترش شهرسازی‌ها در کرانه‌باختری متوقف شد.

۲۰۱۱میلادی

می: توافقنامه‌ای میان فتح و حماس با هدف پایان دادن به منازعه به امضا رسید که در نتیجه آن کنترل دوگروه بین نوارغزه و کرانه‌باختری تقسیم شد. در جریان توافق نمایندگان جهاد اسلامی، سازمان آزادیبخش فلسطین و کمیته مقاومت مردمی نیز حضور داشتند. «محمود عباس» و «خالد مشعل» رهبران فتح و حماس برای توافق بر سر تشکیل دولت آشتی ملی در قاهره با یکدیگر مذاکره کردند. دوطرف بر سر تشکیل دولت موقت مشکل از تکنوکرات‌ها برای آماده‌سازی شرایط برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاستی ظرف مدت یک سال با یکدیگر توافق کردند.

ژوئن: به دلیل اختلاف بر سر این‌ موضوع که چه کسی مقام نخست‌وزیری در دولت ائتلافی را برعهده گیرد، توافق شکست خورد. حماس با انتصاب «سلام فیاض»، نخست‌وزیر پیشین تشکیلات خودگردان فلسطین به این مقام مخالفت کرد.

۲۰۱۲میلادی

فوریه: توافق میان «عباس» و «مشعل» در دوحه قطر حاصل شد. این توافق گامی به سوی اجرای مفاد مذاکرات آشتی‌ملی فلسطینیان در آوریل سال ۲۰۱۱ در قاهره ذکر شد.

مارس: محمود عباس در مصاحبه با الجزیره اظهار کرد که حماس و فتح بر سر تشکیل دولت فلسطینی برپایه مرزهای ۱۹۶۷، لزوم توقف شهرک‌سازی‌های اسرائیلی و مقاومت غیرخشونت‌آمیز علیه اسرائیل با یکدیگر به توافق رسیده‌اند.

آوریل: توافق به دلیل اختلاف‌نظر بر سر موضوع انتخابات ناکام ماند. تعدادی از اعضای فتح در نوار غزه

یادداشت

فرازوفرودهای اوباما درسال ۲۰۱۴



بهاره محبی

۲۰۱۴ سال دشواری برای جامعه جهانی بود. سالی سرشار از درگیری‌ها و مرگ، از جنگ داخلی در اوکراین گرفته تا ظهور داعش در خاورمیانه و شیوع بیماری ابولا در آفریقا. «باراک اوباما» هم به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در این سال در موقعیت‌های دشواری قرار گرفت که اوج آن انتخابات میان‌دوره کنگره و شکست سنکین در برابر جمهوریخواهان بود. با این حال به نظر می‌رسد که او سال۲۰۱۴ را بهتر از آنچه تصور می‌شد به پایان رسانده است.

عملکرد باراک اوباما در داخل مرزهای آمریکا در حوزه اقتصادی قابل قبول بود، به‌طوری که نرخ رشد اقتصادی و آمار و ارقام دیگر مربوط به اقتصاد در این کشور همگی از روزهای خوش آینده خبر می‌دهند. البته شرایط اقتصادی آمریکا پس از رکود بزرگ سال۲۰۰۸ هنوز تا رسیدن به نقطه ایده‌آل راه درازی در پیش دارد. او همچنین بدون مشورت با کنگره، قانون مهاجرتی که به میلیون‌ها مهاجر غیرقانونی اجازه می‌داد تا در آمریکا بمانند را امضا کرد.

اما در حوزه سیاست خارجی که او بیشترین تمرکز را بر آن داشت؛ ظهور داعش در تابستان گذشته و بریدن سر گروگان آمریکایی، شیوع بیماری ابولا و تشدید تنش‌های اوکراین و روسیه که در نهایت به انضمام جزیره کریمه به روسیه توسط ولادیمیر پوتین منجر شد، کاخ سفید را کاملاً در موضع دفاع قرار داد و مقبولیت اوباما دچار افول شد.

گرچه انتقادهای زیادی درباره جنگ خاورمیانه و حمله اسرائیل به نوارغزه وارد است و برخی او را به دلیل عدم اقدام کارآمد برای توقف حملات بی‌رحمانه اسرائیل به غزه مستوجب توبیخ می‌دانند، اما هستند برخی که معتقدند با توجه به روابط نه چندان گرم اوباما و تل‌آویو، چندان کاری هم در این‌ مورد از دست او ساخته نبود و «بنیامین نتانیاهو» که در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا صراحتاً از «میت رامنی» کاندیدای جمهوریخواه، حمایت کرده بود گوش شنوایی برای سخنان اوباما نداشت.

البته در تحولات سوریه و حمایت از مخالفان سوری هم اوباما به خطر رفت و افتادن گره تروریستی داعش و افتادن تسلیحات آمریکایی به دست آنان را دست‌کم گرفت.

با این حال واشنگتن در روزهای پایانی سال۲۰۱۴ در اقدامی سه‌ماهه‌نیم پس از توافق دوحه امضا کردند. دسامبر: سازمان‌ملل متحد جایگاه تشکیلات خودگردان فلسطین را ارتقا داد. فتح به هواداران حماس اجازه داد برای نخستین‌بار از سال ۲۰۰۷میلادی به این سو در کرانه‌باختری راهپیمایی برگزار کنند و حماس نیز اقدام مشابهی را در نوار غزه انجام داد. مذاکرات آشتی میان «عباس» و «مشعل» در مصر تحت زمامداری «محمد مرسی»، رئیس‌جمهور آن کشور برگزار شد.

۲۰۱۳میلادی

ژوئن: حماس و فتح بار دیگر در مصر توافقنامه‌ای را برای تشکیل دولت ائتلافی و برگزاری انتخابات سه‌ماهه‌نیم پس از توافق دوحه امضا کردند. دسامبر: سازمان‌ملل متحد جایگاه تشکیلات خودگردان فلسطین را ارتقا داد. فتح به هواداران حماس اجازه داد برای نخستین‌بار از سال ۲۰۰۷میلادی به این نگاه بسیاری از کارشناسان سیاسی و تحلیلگران شجاعانه ارزیابی شد. تأکید بر ادامه مذاکرات با ایران و جلوگیری از وضع تحریم‌های بیشتر توسط کنگره که می‌توانست روند مذاکرات را تخریب کند، امضای قرارداد امنیتی با کابل و پایان ماموریت نظامی این کشور در افغانستان از جمله نقاط مثبت دیگری است که در کارنامه سیاست خارجی اوباما به چشم می‌خورد.

رئیس‌جمهور آمریکا حتی با را از این هم فراتر گذاشته و در تازه‌ترین اقدام خود با اذعان به نفوذ منطقه‌ای ایران، از نگرانی‌های به‌حق دفاعی کشورمان سخن گفته که از درک درست شرایط منطقه توسط وی حکایت داشت. او با افزایش مقبولیت خود در داخل خارج از مرزهای آمریکا (به دلیل عملکرد خوب اقتصادی در داخل و تنظیم روابط با چین و کوبا در خارج) سال۲۰۱۴ را بهتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد به پایان رساند.

نگاه

فصل جدیدهاوانا

امیر محقق

وقتی خبر مورد نظر اعلام شد رنگ‌های کلیساها در هاوانا به صدا درآمدند. کوبایی‌ها که نور امید در دل‌هایشان پدیدار شده بود، در خیابان‌ها جشن گرفتند. اما اکثر اهالی کوبا صبورانه منتظرند تا ببینند در آینده چه پیش می‌آید. خبر موردنظر این بود: «آمریکا پس از ۵۰سال به نشانه آشتی و شروع روابط با کوبا دست داد.» کوبا سال‌های طولانی جزو فهرست سیاه سیاست خارجی آمریکا بود. در این مدت آمریکا روابط خود را حتی با چین کمونیست و ویتنام بهبود بخشیده بود؛ ویتنامی که آمریکا سابقه جنگی خونین با آن را دارد؛ جنگی که در آن بیش از ۵۰هزارآمریکایی جان خود از دست دادند.

اما رابطه با کوبا که دیگر خطری برای آمریکا به حساب نمی‌آمد، طی جنگ‌سرد، الکن و یخ‌زده باقی ماند؛ یعنی از زمانی که اولین تحریم اقتصادی آمریکا در سال۱۹۶۱ علیه هاوانا اعمال شد. اما بعد از آنکه «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری آمریکا ۱۷دسامبر از تغییر روابط با کوبا سخن گفت، حالا سران دوکشور به‌زودی برای بازگشایی سفارتخانه‌هایشان و از سرگیری روابط دیپلماتیک بر سر میز مذاکره خواهند نشست.

حال که آمریکا قصد دارد تا روابطش با کوبا را وارد فاز جدیدی کند، با کشوری روبه‌روست که در سال‌های گذشته شاهد تغییرات اقتصادی چشمگیری بوده است. از زمان ریاست‌جمهوری «رائول کاسترو» که سال۲۰۰۸ جانشین «فیدل کاسترو»ی بیمار شد، تغییرات زیادی در اقتصاد کوبا به وجود آمد و بیش از ۵۰۰هزارکارگر از بخش دولتی به بخش خصوصی منتقل شدند.

حالا برای اولین‌بار کوبایی‌ها می‌توانند خانه‌ها و ماشین‌های‌شان را خرید و فروش کنند. هرچند بسیاری از تحلیلگران اعتقاد دارند سرعت تغییراتی که رائول کاسترو برای اقتصاد کوبا فراهم آورده، کند و بی‌ثبات است. رائول کاسترو از ابتدای روی‌کارآمدنش به دنبال روابط نزدیک با آمریکا بود و در دهه‌های گذشته اقتصاد بیمار کشورش را با کمک‌های مالی ونزوئلا رزه زده بود؛ کمک‌هایی که غالباً از طریق فروش نفت ارزان به کوبا صورت می‌گرفت. اما افت قیمت اخیر نفت، اقتصاد ونزوئلا را هم دچار رکود کرده است و این یار دیرینه هاوانا دیگر توانی رای کمک ندارد.

لکنون مقامات کوبایی نگران روند مذاکرات و شکست تلاش‌های دیپلماتیک هستند. اگر اقتصاد کوبا به سقوط و رکود خود ادامه دهد، خطر مهاجرت از کوبا جدی‌تر از گذشته خواهد شد. تنها در سال گذشته حدود ۴۰هزارکوبایی از این کشور مهاجرت کردند که این رقم در آینده بیشتر هم می‌شود.

پس می‌توان فهمید که چه چیزی کاسترو را متقاعد به عادی‌سازی روابط با آمریکا کرده است. هرچند رابطه با آمریکا قطعاً نتایج فوری نخواهد داشت، اما به‌مرور باعث گسترش تجارت، همکاری و ارتباط بیشتر با آمریکا و ایجاد فرصت‌های تجاری گسترده‌تر خواهد شد. دیپلمات‌های کوبایی اعتقاد دارند مهم‌ترین مساله آن است که با توافق اخیر، واشنگتن این پیغام مهم را به جهان داده که کشورها از حیث سیاسی و اقتصادی با کوبا ارتباط بگیرند.

در حال حاضر، اوباما با استفاده از نفوذش می‌تواند تحریم‌هایی از قبیل محدودیت سفر به کوبا، صادرات مصالح ساختمانی، وسایل کشاورزی و تجهیزات ارتباطی را لغو کند و از این‌ پس آمریکایی‌ها قادر خواهند بود تا از کارت‌های اعتباری‌شان در کوبا استفاده کنند. دولت آمریکا همچنین آماده است تا کوبا را از فهرست کشورهای حامی تروریسم خارج کند. این در حالی است که همه امیدوارند تا به دنبال توافق اعلام‌شده در سال۲۰۱۵ و افزایش پهنای اینترنت، کوبا به دهکده جهانی دسترسی وسیع‌تری داشته باشد. از سوی دیگر، قوانین بانکی نیز در حال تغییرند و سقف میزان انتقال وجه از خارج کوبا به داخل بیشتر شده است.

اگر تحریم‌ها به طور کامل برداشته شوند، کشاورزان، تولیدکنندگان خودرو، روسای خطوط مسافری، مدیران هتل‌ها و سازندگان تجهیزات ارتباطی در آمریکا فرصت حضور در کوبا را پیدا می‌کنند. فروش بیشتر برنج، ذرت، سویا و مرغ‌های یخ‌زده نیز به سود آمریکا خواهد بود. کوبا در حوزه مسکن، جاده‌سازی و کارخانه‌سازی نیز نیازمند سرمایه‌گذاری است و واشنگتن می‌تواند برای هاوانا گزینه خوبی باشد. «کریستوفر سباتینی»، استاد دانشکده روابط بین‌الملل دانشگاه «کلیمیا» آمریکا بر این باور است که اوباما و کاسترو سر همه‌چیز به توافق نمی‌رسند اما تلاش‌شان را می‌کنند تا هریک از دیگری، چیزی به دست بیاورد البته چارچوب دیپلماسی بر همین پایه استوار است.»

برای اوباما نیز این مسیر دشواری‌های خود را دارد؛ او با اتخاذ این تصمیم با جمهوریخواهان آمریکایی وارد چالش جدی شده است و برای به‌کرسی‌نشاندن حرفش، کار سختی را پیش رو دارد. ناگفته نپداست که بعد از سال‌ها برنامه‌ریزی بدون انعطاف بازار در کوبا و بیش از نیم‌قرن تحریم، بازگشت روابط اقتصادی به‌حالت عادی، مستلزم فرآیندهایی پیچیده و زمان‌بر است. اکنون، هم آمریکا باید قوانین و مقرراتش را تغییر دهد و هم کوبا باید اقتصادی تشکیل دهد که پذیرای سرمایه‌های خارجی باشد.

